

چند ساعت کار؟



در طول قرن بیستم، همیشه سعی بر این بوده است که ساعات کار هفتگی و حتی ساعات روزانه کاهش پیدا کند. همه این تلاش‌ها از این تفکر سرچشمه می‌گیرد که کار برای زندگی است، نه زندگی برای کار. البته ایده کاهش ساعات کار از اینجا نیز ناشی شده است که کارفرمایان دریافته‌اند، کارکنان در صورتی که ساعات کار آنان زیاد باشد، نمی‌توانند بازدهی مطلوب را داشته باشند. تقریباً همه تحقیقات و بررسی‌ها، سودمندی کاهش ساعات کار و رابطه مثبت آن با تولید را تأیید می‌کنند. در یکی از تحقیقات، رسیدن ساعات کار هفتگی از ۴۸ ساعت به ۳۶ ساعت تولید در یک کارخانه چوب میزان تولید را از ۷۹۳/۵ به ۸۳۴ واحد رساند. به طور کلی اگر مدت زمان کار از ۴۰ ساعت در هفته تجاوز نکند بازده در سطح بالا خواهد بود. همچنین کارگر یا کارمند حاضر است تا آنجا کار کند که خستگی ناشی از کار با مزدش برابر باشد!

افزایش ساعات کار هفتگی نشان می‌دهد که اکثر کارکنان، زمان خود را به بیماری، مصدومیت و غیبت‌های بدون اجازه می‌گذرانند. افزایش ساعات کار، افت تولیدی ساعتی و هفتگی را به همراه می‌آورد و موجب می‌شود که کارکنان وقت خود را به بطالت بگذرانند. بر عکس کاهش ساعات کار هفتگی با افزایش تولید ساعتی و هفتگی و کاهش میزان غیبت کارمندان همراه است. همچنین باید تمهیداتی اندیشید که کارکنان هیچ‌گاه کار را به منزل نبرند. البته این یا نشان دهنده عدم کارایی آن کارکنان یا ارائه مسئولیت بیش از حد توان به آن‌هاست. در رابطه با کارکنانی نیز که به کار اعتیاد پیدا کرده‌اند نیز باید فکر جدی کرد و به آن‌ها نشان داد که زندگی فقط کار نیست و تعادل بین تفریح و کار است که می‌تواند مفید باشد.